

## منصب واقعه نویسی و رابطه آن با وقایع نگاری ( تاریخ نویسی)

دکتر یحیی کلاتری\*

عباس قدیمی قیداری\*\*

منصب و نهاد « واقعه نویسی » یا « مجلس نویسی » به عنوان یک منصب دیوانی نوپا در دوره شاه عباس اول صفوی با هدف و انگیزه خاصی پایه گذاری شد. وظایف و کارکردهای این نهاد دیوانی جدید ترکیبی بود از وظایف وزیر اعظم، منشی الممالک و مستوفی الممالک؛ و اختیارات تام و ویژه ای برای آن در امور لشکری و کشوری در نظر گرفته شد که گاهی با وظایف مناصب و مشاغل دیگر تداخل پیدا می کرد. همین مسئله سبب ابهام و پیچیدگی در شناخت وظایف این نهاد قدرتمند دیوانی شده است. منصب واقعه نویسی به تدریج دچار تحول و دگرگونی در وظایف گردید. ضبط و ثبت وقایع و رخدادها به عنوان بخشی از وظایف «واقعه نویسی» در کنار روی آوردن برخی صاحبان این منصب به تاریخ نویسی سبب شده است. گزارشگران خارجی و برخی محققین بین نهاد « واقعه نویسی » و « وقایع نگاری » ( تاریخ نویسی ) رابطه و پیوندی قائل شوند، در صورتی که با وجود روی آوردن برخی از «واقعه نویسان» به تاریخ نویسی، هیچگاه یا دست کم در دوره صفوی تاریخ نویسی و وقایع نگاری جزو وظایف دیوانی و شغلی آنان نبوده است. بعد از سقوط صفویان با وجود مشاهده پاره ای از وظایف و کارکردهای این نهاد در مناصب دولتی مانند « وقایع نگار»، نامی از آن در سازمان اداری و دیوانی افشاریان، زندیه و قاجاریه دیده نمی شود. این مقاله پیدایش، دگرگونی و زوال این نهاد قدرتمند دیوانی و رابطه آن را با تاریخ نویسی بررسی می کند.

### واژگان کلیدی

واقعه نویسی، مجلس نویسی، سازمان اداری و دیوانی، وقایع نگاری، تاریخ نویسی، صفویان، قاجاران.

\* استادیار دانشگاه تبریز  
\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه تبریز

## مقدمه

یکی از نهادهای نوپا، قدرتمند و در عین حال ناشناخته سازمان اداری و حکومتی صفویان، منصب دیوانی «واقعۀ نویس» یا «مجلس نویس» است. این منصب و شغل دیوانی در دوره شاه عباس اول صفوی با هدف و منظور خاصی با وظایف و کارکردهای ویژه که آمیزه ای از وظایف مناصب و مشاغل برجسته دیگر بود، پدید آمد. نوپا بودن و سابقه دیوانی نداشتن منصب واقعۀ نویسی یا مجلس نویسی در تشکیلات اداری و حکومتی قبل از صفویان و تحول و دگرگونی تدریجی در وظایف و کارکردهای آن، ابهام و پیچیدگی در شناخت وظایف دقیق این منصب به ویژه در پیوند با پدیده تاریخ نویسی را موجب شده است. این مقاله بر بنیاد اطلاعات و آگاهیهای منابع ایرانی و گزارش سیاحان و سفیران خارجی به روش کتابخانه ای به بررسی پیدایش، دگرگونی و زوال منصب «واقعۀ نویس» و ارزیابی و تبیین وظایف و کارکردهای این منصب و رابطه آن با پدیده تاریخ نویسی و وقایع نگاری می پردازد.

## پیدایش و وظایف واقعۀ نویس در دوره صفوی

منصب دیوانی «واقعۀ نویس» یا «مجلس نویس» در عهد صفویان در سازمان حکومتی و اداری ایران به وجود آمد. در تشکیلات دیوانی و اداری غزنویان، سلجوقیان و ایلخانان منصب و نهادی با این عنوان شناخته نیست. در دوره شاه عباس اول صفوی برای نخستین بار در تاریخ نهادها و مناصب تشکیلات دیوانی ایران، منصب مجلس نویسی که همان واقعۀ نویسی است، ایجاد گردید. (نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۲۷) مجلس نویس یا واقعۀ نویس را غالباً وزیر چپ نیز نامیده اند. (مینوروسکی، ۱۳۷۸: ۹۵) چون به دستور و تأکید شخص شاه این منصب ظهور یافت و شاه نیز منظور و هدف خاصی از تاسیس آن داشت به سرعت این منصب در ردیف امرای جانقی و امرای «دولت خانه مبارکه» و «ارکان دولت قاهره» صفوی یعنی وزیر اعظم، دیوان بیگی، قورچی باشی، قونلر آقاسی، ایشیک آقاسی باشی و تفنگچی باشی قرار گرفت. (نصیری، همان: ۲۶؛ میرزاسمعیا، ۱۳۷۸:

۵) به عنوان یک منصب و نهاد دیوانی جدید برای آن نقش و کارکرد ویژه و جدید و در عین حال مبهمی در نظر گرفته شد. «نصیری اردوبادی» که خود عنوان «مجلس نویس محفل بهشت آیین» داشته درباره هدف و انگیزه شاه عباس از ایجاد منصب «واقعه نویس» می نویسد:

«منصب مزبور را اعلیحضرت گیتی ستانی شاه عباس ماضی تعیین فرموده. قبل از این، نوشتجات پادشاهی از دفترخانه همایونی گذشته. ارباب مناصب ضمن آن را مهر و به طغرای منشی الممالک می رسید. و چون در زمان گیتی ستانی اطراف آشوب و هر ساعت از ممالک محروسه عرایض به درگاه معلی آمده، ضرور بود که جواب قلمی شود، و از دفتر نوشتن آن به طول کشیده چند روز می بایست به تاخیر افتد که ارباب مناصب دفترخانه همایون اعلی آن را مهر نموده و به طغرای منشی الممالک رسیده. بعد از آن به مهر اشرف رسیده و این امر باعث تعویق امور سلطنت و اطلاع جمعی کثیر بر چگونگی حالات می شد. به این سبب نواب گیتی ستانی این منصب را تعیین و چون منظور آن اعلیحضرت آن بود که وزیر جلوی نیز داشته باشد که بعد از آن که به طرفی می روند دفترخانه را حرکت نداده امور ملکی معوق نماند، بنائاً علیه، تراشی از شغل و منصب وزیر اعظم و مستوفی الممالک و منشی الممالک و کتاب دفترخانه زده، همه را جمع و به یک کس داده، اسم آن شخص را مجلس نویس گذاشتند... و از آن رو که نواب گیتی ستانی به سبب پاس سلطنت، از اقتدار بیش از پیش احدی از امرا خوش نداشتند و می خواستند که هیچ آفریده سوای پادشاه فرمانفرما نبوده از برای هر کس مقابل گویی بوده باشد که زیاده روی های بی جا ننماید بدان جهت تعیین این منصب فرمودند که در مقابل وزیر اعظم نیز شخصی بوده باشد» (نصیری، همان: ۲۸).

بر این اساس شاه عباس منصب جدیدی تراشید که به سرعت به یکی از نهادهای قدرتمند دستگاه دیوانی دولت صفویه در آمد و وظایف و کارکرد این نهاد جدید به نوشته نصیری اردوبادی آمیزه ای بود از وظایف وزیر اعظم، منشی الممالک و مستوفی الممالک که در جهت اهداف خاص شاه به وجود آمد.

بررسی نقش، وظیفه و کارکرد این منصب و نهاد جدید ما را با پیچیدگی و ابهام خاص یک نهاد دیوانی مواجه می‌سازد. جدید بودن این منصب و پیشینه دیوانی نداشتن آن در تشکیلات اداری و حکومتی ایران قبل از صفویه، پیدایش و زوال سریع آن نسبت به نهادهای دیوانی دیگر، و تداخل وظایف آن با برخی مناصب و مشاغل برجسته ای چون منشی الممالک و وزیر اعظم (مینوروسکی، همان: ۹۵، ۱۱۸) و مهم تر از همه - آن چیزی که این مقاله بر بررسی آن تاکید می‌کند - نظر برخی بر همسانی و یکسانی واقعه نویسی به عنوان یک منصب و نهاد دیوانی با وقایع نگاری و تاریخ نویسی به معنای مصطلح آن، فهم دقیق وظایف و کارکردهای آن را با مشکل و ابهام جدی مواجه می‌سازد.

محققانی که در این مورد به بررسی هایی دست زده اند مرز و حد وظایف و کارکردهای آن را به طور دقیق مشخص نکرده و رابطه آن را با پدیده وقایع نگاری روشن نساخته اند. وظایف و کارکردهای این منصب جدید در دو گونه منابع قابل پیگیری و مشاهده است. اول کتاب های معدودی که به سازمان حکومتی و اداری ایران عصر صفوی و بعد از آن پرداخته اند و دوم گزارش سیاحان و ماموران خارجی در ایران دوره صفوی. «القباب و مواجب دوره سلاطین صفوی»، «تذکره الملوک» و «دستور الملوک» در ردیف کتاب های دسته اول قرار می‌گیرند و گزارش اروپاییانی مانند «شاردن»، «کمپفر» و «سانسون» که در گزارش خود عمدتاً به جای پرداختن به تاریخ سیاسی به جامعه و نهادهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی ایران عصر صفوی پرداخته اند، در ردیف دوم قرار می‌گیرند. در کنار آن بایستی اشاره نمود که تاریخ نویسی ایرانی یا اصلاً به نهادها و سازمان های اداری و حکومتی پرداخته و یا خیلی کمتر در موارد بسیار معدودی به این گونه مسائل حیات اجتماعی توجه نموده است. بررسی وظایف و کارکردهای این منصب جدید و تحلیل آن شاید بتواند تا حدی ابهام و پیچیدگی های آن را برطرف سازد.

ژان شاردن (۱۶۴۳ - ۱۷۱۳) سیاح فرانسوی که در فاصله سال های (۱۰۷۴ ق. ۱۶۶۴ م. / ۱۱۲۵ ق. ۱۷۱۳ م.) دو بار به ایران سفر کرد، یکی از نخستین کسانی است که درباره نهادها و سازمان های دیوانی و اداری عصر صفوی گزارش می‌دهد. او می

نویسد:

« پس از دو مقام صدارت عظمی و بیگلر بیگی در سازمان های لشکری، مقام فرماندهی لشکر اگر وجود داشته باشد، و از آن پس شغل رئیس قورچیان و بعد از آن کار فرمانده تفنگچیان از همه بالاتر است و از آن پس به ترتیب مقام قوللر آقاسی و فرمانده توپچیان اعتبار بیشتری دارد. پس از این مقامات شغل وقایع نویسی مهم است. وی را به مناسبت این که در زمان غیبت وزیر وظایف او را انجام می دهد وزیر چپ می گویند. او افزون بر وظیفه خاص خود بازرس کارهای وزیر نیز می باشد، و مأمور است که گزارش وقایع مهم را به عرض شاه و به اطلاع وزیران برساند. همچنین همه فرمانها و دستورهای پادشاه را به نگارش در آورد. در تمام نقاط مهم کشور وقایع نویس هست و آنان موظف-اند شرح همه وقایع و نامه های خود را برای وقایع نویسی که در مرکز اقامت دارد بفرستند. وزیر چپ یا وقایع نویس اصلی موقع و مقام ممتاز دارد؛ زیرا دربار به هنگام بروز وقایع مهم در انتخاب طریق مقابله با آن پیش آمدها با وی مشورت می کند و نیز در مواردی اظهار نظر می نماید که با سفیران و فرستادگان ممالک بیگانه چگونه باید گفتگو و رفتار کرد، و برای انعقاد پیمان های مختلف با کشورهای دوست باید چه روشی را در پیش گرفت، و چه مواردی در قراردادهای گنجانند. از این رو تمام فرستادگان و مأموران خارجی که وارد کشور می شوند با او دیدار و گفتگو می کنند. وقایع نویس نامه ها و اعتبار نامه های ایشان را در دفتر مربوطه ثبت می کند؛ روز ورود و مقاصد و محل اقامتشان را در دفتر می نویسد. عرایضی را که صدر اعظم باید به عرض شاه برساند از او می گیرد و پس از آن که به نظر شاه رساند جواب آنها را در حاشیه آنها می نویسد» (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۲۱۴).

انگبیرت کمپفر ( ۱۶۵۱ م - ۱۷۱۶ م . ) سیاح و محقق آلمانی در گزارش خود از سازمان اداری و دیوانی صفویان در عهد شاه سلیمان صفوی، وظیفه «واقعه نویس» را ثبت کلیه تصمیمات و فرمان های شاه و نامه های تیریک و پیام های سفیران خارجی و پاسخ شاه به این نامه ها و پیام ها و ثبت وضبط رویدادهای مهم کشور و ممالک همسایه ایران در دفاتر روزانه ذکر کرده است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۹۸). «سانسون» مبلغ مسیحی فرانسوی که همزمان با کمپفر در دربار شاه سلیمان صفوی حضور داشت، نیز گزارشی از وضع دربار

صفویان و نهادها و مناصب درباری و دیوانی به دست داده است. سانسون افزون بر وظایفی که شاردن و کمپفر در مورد منصب «واقعه نویس» ذکر کرده اند، او را تاریخ نویس رسمی کشور نیز می داند. گزارش او نخستین نوشته ای است که واقعه نویسی را به تاریخ نویسی ربط می دهد:

« واقعه نویس که تنها منشی دربار است برای این که اوامر و دستورات شاه را بنویسد در نزدیکی شاه می نشیند... نوشتن تمام نامه هایی که شاه به سلاطین خارجی می نویسد، به عهده اوست. واقعه نویس همچنین تاریخ نویس و وقایع نگار کشور ایران است. از تمام وقایعی که در عرض سال پیش می آید روزنامه ای تهیه می کند و در عید نوروز آن را برای شاه و درباریان می خواند» (سانسون، ۱۳۵۴: ۵۱).

میرزا علی نقی نصیری اردوبادی که شرح مفصلی از القاب، مداخل و وظایف منصب واقعه نویسی به دست داده است، می نویسد:

« شغل مشارالیه این است که در مجالس خاص و عام حاضر بوده، و فصول و عرایضی که از اطراف به خدمت اقدس می فرستند تماماً را مشارالیه به عرض اقدس رسانیده، آنچه امر همایون صادر گردد، بر طبق آن، ارقام قلمی می نماید. و سایر ارباب مناصب دیوان عالی صاحب مهر می باشند و مهر هر یک معتبر است و خط مجلس نویس معتبر بوده. آنچه از جانب ولی نعمت نویسد، بدون مهر آثار ولسی نعمت، امرای درگاه معلی و ولایات و ارباب مناصب دفتر خانه همایون اعلی خط او را سند نموده، بر طبق آن، سوال و جوابی که ضرور باشد می کنند... و صاحب این منصب می باید که در کمال امانت و دیانت و راست قلمی بوده، محافظت اسرار و نوشتجات نماید و مهارت تمام از شغل نویسندگی و دفتر و قواعد و ضوابط ملکی و شعر و انشا داشته باشد و پادشاه هر قسم نوشته که به او بفرماید عاری از آن نبوده، تواند نوشت و چون مجلس نویسان زبان پادشاهان می باشند و نوشتجات که از جانب ولی نعمت می نویسند، طریقه آن است که اولاً مراعات عظمت و جلالت پادشاهی نموده، بعد از آن به عبارات و استعارات خوش اوامر پادشاه را قلمی نمایند که بیم و امید و امر و نهی پادشاه همگی ظاهر و هویدا، و از ملاحظه نوشتجات او آثار سلطنت آشکار باشد؛ چنانچه بلا تشبیه، از قرآن مجید عظمت و

عدالت و وحدانیت الهی که پادشاه علی الاطلاق است ، معلوم است ، از نوشتجات پادشاه نیز اموری که لوازم سلطنت و جهانداری باشد مبرهن گردد ... آنچه ارقام منصب امرای درگاه معلی و بیگلربیگیان و حکام و وزرا و مستوفیان و عمال و کلانتران ولایات و جواب عرایض و فصول آن جماعت است تماماً را مجلس نویس قلمی و به سیاهی طغرای هر یک را کشیده . هر گونه ارقام دفتری که از سر کار خاصه شریفه شرف صدور یابد و ضمن آن به مهر ارباب مناصب دفترخانه همایون رسد، به دستور مجلس نویس طغرا کشیده . ارقام ملازمت عساکر منصوره را ، هر چند که اگر مجلس نویس قلمی نماید چنان نیست که غلط نموده دخلی به منصب او نداشته باشد ... « (نصیری، همان: ۲۹، ۳۰)

در تذکره الملوک نیز «میرزا سمیعا» واقعه نویسی را جزو امرای جانتقی دانسته و در میان ارباب قلم صاحب این منصب را بعد از وزیر اعظم بالاترین مناصب، نزد شاه ذکر کرده و در شرح وظایف او می نویسد :

« تفصیل شغل واقعه نویسان آن است که جواب نامه هایی که از پادشاهان به پادشاه ایران نوشته شود، واقعه نویسی انشاء نماید . و ارقام مناصب و ملازمت و همه ساله تیولی از دفاتر خلود صادر شود، و هر گونه رقمی که پادشاه « بزبانی » مقرر دارد که آن را مشافهه می گویند ، یا این که از قرار تعلیقه عالیجاه وزیر دیوان اعلی یا این که به قید « حسب الامر الاعلی » امرا و مقربان به رساله خود چیزی نوشته به واقعه نویسی سپارند به اطلاع و طغرای قلم مداد واقعه نویسی مذکور می گذرد ... و عالیجاه مزبور از جمله امرای جانتقی و انیس و جلیس مجالس عام و خاص و عرایض و فصول امرا و حکام که از ممالک محروسه به پایه سریر اعلی فرستاه شود، پادشاه همگی را نزد مجلس نویسی می فرستد که ... جواب آن را قلمی می نمایند ... و هر گونه عریضه که هر کس به خدمت پادشاه بدهد خواندن عرایض و جواب نوشتن در خدمت بندگان اشرف به دیگری غیر از مجلس نویسی نسبت ندارد و به همین جهت واقعه نویسان را مجلس نویسی نیز می گویند . و در میان ارباب قلم به غیر از وزیر اعظم در رتبه خدمت و تقرب زیاده بر واقعه نویسی دیگری نیست و همیشه از قدیم الایام واقعه نویسان در خدمت پادشاهان در مجالس خاص و عام

می نشسته اند و در تحقیق امر جزئی و کلی سخن واقع نویسان و عرض ایشان مناط و معتبر بوده» (میرزا سمعی، همان: ۱۶، ۱۵).

آنچه در دیگر رساله مربوط به مشاغل و نهادهای دیوانی و اداری صفویه یعنی «دستور الملوک» درباره منصب واقع نویس آمده مشابه مطالب تذکره الملوک است و چیز اضافه ای ندارد. (میرزا رفیعا، ۱۳۸۰: ۵۲۳)

«مینورسکی» بر بنیاد نوشته های شاردن، کمپفر، سانسون و تذکره الملوک شغل، واقع نویسی را شبیه وقایع نگاری رسمی می داند که مذاکرات جلسات را ثبت و کتابت می کرده و از طرفی تهیه پاسخ نامه های سلاطین خارجی به عهده او بوده و ورود و خروج سفرا را ثبت می کرده و مقام موثری در مذاکره با سفرای خارجی بوده است. (مینورسکی، همان: ۹۵-۹۷) نصرالله فلسفی نیز واقع نویس را آگاه ترین فرد به اسرار دولتی دانسته است. (فلسفی، ۱۳۴۷: ۴۰۶)

بر بنیاد این آگاهی ها واقع نویس در ردیف برجسته ترین امرای درباری و دیوانی عصر صفوی قرار داشته و نزدیک ترین کس به شاه بوده است. محرم شاه به شمار می رفته و از تمام جزئیات و اسرار حکومتی آگاه بوده است. این منصب تشکیلات گسترده ای در سراسر کشور نیز داشته و در هر ایالت واقع نویسانی بوده اند که رویدادها و وقایع را برای نهاد واقع نویس گزارش می کردند. (رهبرن، ۲۵۳۷: ۱۴۹؛ شاردن، همان: ۱۲۱۴)

وظیفه و شغل واقع نویس آمیزه ای از وظایف وزیر، منشی الممالک و مستوفی الممالک بوده و اختیار تامی در امور لشکری و اداری و دیوانی داشته است. (نصیری، ۱۳۷۱: ۲۸) در جریان روابط خارجی همچنان که شاردن اشاره می کند، عنصر اصلی و برجسته ای به شمار می رفته و دفاتر شاهی و بایگانی سلطنتی در اختیار او بوده است. همچنان که نصیری اشاره می کند شاه عباس با توجه به اوضاع آشفته آغاز سلطنت خود، و با درس گرفتن از سئیزه های گذشته امرای دیوانی و لشکری که در تضاد با منافع سلطنت بود، منصبی جدید تراشید تا با قرار دادن آن در عرض جایگاه صدراعظم و سایر امرای برجسته از قدرت یابی بیش از پیش این امرای جلوگیری کند و با اختیار گسترده و تامی که به این منصب واقع نویس داد آن را محرم حوزه عمومی و خصوصی خود نمود تا



بتواند از تمامی اخبار ریز و درشت مطلع و کانون توطئه هایی را که در گذشته نیز سابقه داشت، مهار نماید.

در منابع عصر صفوی به نامهایی بر می خوریم که عنوان واقعه نویس، مجلس نویس و یا وقایع نویس دربار داشته اند. صاحبان این منصب از میان ایرانیان اهل قلم و خانواده های دارای پیشینه دیوانی انتخاب می شدند. با توجه به هدف و انگیزه نخستین شاه عباس از ایجاد این منصب، کسانی که عهده دار اداره این نهاد جدید می شدند می بایست از هرگونه وابستگی به گروه و جناح های درباری دوری می جستند و تنها به شخص شاه وابستگی خود را اثبات می کردند. در میان افراد برجسته ای که منصب واقعه نویس داشته اند می توان به میرزا طاهر نظنزی که احترام و ارجح فوق العاده ای نزد شاه عباس اول داشت، میرزا معصوم واقعه نویس دربار شاه صفی؟ میرزا محمد طاهر وحید قزوینی مجلس نویس و وقایع نگار رسمی شاه عباس دوم و شاه سلیمان، میرزا علی نقی نصیری اردوبادی و میرزا ابراهیم مجلس نویس و مورخ دربار شاه سلطان حسین صفوی اشاره نمود.

نهاد واقعه نویسی با هدف و انگیزه خاصی که شاه عباس اول داشت با آمیزه ای سرز بندی نشده از وظایف وزیر و منشی الممالک و مستوفی الممالک تاسیس گردید. به نظر می رسد بعد از شاه عباس اول دگرگونی تدریجی در وظایف و کارکردهای این منصب به وجود آمده است. برخی از افرادی که این منصب را عهده دار بودند در کنار وظایف دیگر خود از جمله ضبط و ثبت وقایع و رویدادهای کشور در دفاتر مخصوص اقدام به تاریخ نویسی نیز کرده اند. همین مسئله سبب شده است که این گمان به ذهن خطور نماید که «واقعه نویس» نهادی بوده است که کار آن تاریخ نویسی دولت و پادشاه متبوع بوده است و همین مسئله بر پیچیدگی و ابهام وظایف این منصب افزوده است. به نظر می رسد وظیفه و کارکرد منصب دیوانی واقعه نویس، تاریخ نویسی به مفهوم مصطلح آن نبوده؛ هر چند برخی از صاحبان این منصب مانند میرزا محمد طاهر وحید قزوینی و میرزا ابراهیم واقعه نویس، تاریخ نویسی نیز کرده و حوادث و رویدادهای زمان خود را به نگارش در آورده اند.

میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، در سال ۱۰۵۵ ق. در دستگاه شاه عباس دوم رسماً به سمت مجلس نویس و وقایع نگار دربار منصوب شد. (شاملو، ۱۳۷۹: ۲۹۴؛ آذر بیگدلی، ۱۳۴۰: ۱۲۱۴-۱۲۱۱) میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، نخستین صاحب منصب واقعه نویس است که تاریخ نویسی نیز کرده است. او در ضمن وظایف فراوانی که در سمت واقعه نویس و مجلس نویس داشت با دسترسی به اسناد و مدارک دیوانی و نامه ها و مکاتبات سیاسی و دفاتر ثبت وقایع «عباس نامه» و یا «تاریخ جهان آرای عباسی» را در تاریخ سلطنت شاه عباس دوم صفوی با انشایی متکلف و منشیانه و آکنده از تملق به رشته تحریر در آورد (محمد طاهر وحید، ۱۳۸۳). میرزا محمد طاهر در عهد شاه سلیمان نیز این سمت را برای مدتی حفظ کرد و بعد از آن به وزارت شاه سلیمان صفوی رسید. ظاهراً به همین سبب است که سانسون که در این زمان در ایران به سر می برد، واقعه نویس را تاریخ نویس رسمی کشور معرفی کرده است (سانسون، همان: ۵۱). واقعه نویس دیگری که در ضمن وظایف دیگر این منصب، تاریخ نویسی کرده است «میرزا محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری» است. نصیری در سال ۱۱۱۰ ق. از سوی شاه سلطان حسین صفوی به سمت مجلس نویس و مورخ دربار برگزیده شد (storey, ۱۹۳۶: ۳۱۹؛ زرین کوب؛ ۱۳۷۱: ۵۵). او «دستور شهریاران» را در تاریخ رویدادهای زمان شاه سلطان حسین صفوی به رشته تحریر در آورد. به رغم این که صراحتی در تغییر و تحول وظایف این منصب در رابطه با تاریخ نویسی مشاهده نمی شود، همین نمونه ها سبب شده است تا برخی تاریخ نویسی را جزو وظایف منصب واقعه نویس قلمداد کنند.

### سقوط صفویان و سرنوشت منصب واقعه نویسی

با سقوط صفویان، سازمان اداری و تشکیلات گسترده و عریض و طویل دیوانی آنان نیز تا حدی از بین رفت و یا به شدت محدود و کوچک گردید. بسیاری از مناصب و نهادهای اداری و حکومتی به یکباره از تشکیلات دیوانی و اداری حذف شدند و پاره ای از آنان نیز به ضرورت حکومت با تغییر در وظایف و کارکردشان به حیات خود ادامه دادند. در حکومت نادر و جانشینانش و حکومت کریم خان زند به دلیل آشوب ها و کوتاه بودن

عمر حکومت های مقتدر و متمرکز در نیمه قرن دوازدهم هجری هیچ تلاشی برای احیای سازمان اداری و حکومتی صفویان صورت نگرفت. در دوره کوتاه حکومت نادر شاه افشار برخی از مناصب اداری و دیوانی با تغییر در وظایف و کارکردشان موقتاً احیا شدند. از جمله مناصبی که در دوره نادر به بوته فراموشی سپرده شد منصب و نهاد مجلس نویس و واقعه نویسی بود با وجود این که چنین منصبی در دستگاه اداری و دیوانی نادر وجود نداشت، میرزا مهدی خان استرآبادی از سوی نادر سمت وقایع نگاری یافت (مینوروسکی، همان: ۹۶). میرزا مهدی خان به عنوان منشی مخصوص نادر «به ضبط وقایع مامور» بود (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۴) و هم چنین ایلچی مخصوص نادر نیز به شمار می رفت. به نظر می رسد با وجود از بین رفتن منصبی با عنوان مجلس نویس یا واقعه نویس با وظایف و کارکردهای عهد صفویه، پاره ای از وظایف آن به برخی مشاغل و مناصب دیگر منتقل گردید. وظایف میرزا مهدی خان از منشی گری و حضور در جریان روابط خارجی تا نگارش تاریخ عصر نادری نشان می دهد که میرزا مهدی خان تا حدی بخشی از وظایف واقعه نویس عصر صفوی را عهده دار بوده است. در همین زمان شخصی با نام و عنوان عبدالعلی وقایع نگار که به درستی هویت اداری و دیوانی او معلوم نیست کتاب «تاریخ طهماسبی» یا «بهارستان طهماسبی» را به رشته تحریر در آورد. این کتاب دستبرد آشکاری است از کتاب جهانگشای میرزا مهدی خان استرآبادی (منزوی، ۱۳۷۵: ۸۳۱، ۸۸۶) در دوره زندیان و در دستگاه اداری و دیوانی محدود و کوچک آنان نامی از منصب رسمی واقعه نویس، مجلس نویس و حتی وقایع نگار نیست؛ جز این که برخی مورخین این دوره مامور شده اند وقایع این دوره را به رشته تحریر در آورند.

قاجارها که در آغاز قرن ۱۳ ق / ۱۹ م. به قدرت رسیدند، در صدد برآمدند تا تشکیلات اداری و دیوانی عصر صفویان را احیا نمایند. از جمله مناصبی که در دستگاه اداری و دیوانی قاجارها تاسیس گردید منصب رسمی وقایع نگاری بود. نخستین کسی که به این سمت منصوب شد میرزا محمد صادق مروزی بود. (هدایت، ۱۳۷۹: ۸۱۰۴، ۸۱۰۵) میرزا محمد صادق سمت داروغگی دفترخانه همایونی (تکمیل همایون، ۱۳۷۱) را نیز داشت و هر دو این سمت ها در خانواده او تا پایان دوره ناصری موروثی گردید. وظایفی

که میرزا محمد صادق در مقام وقایع نگار و داروغه دفترخانه همایون، عهده دار آن شد نشانه تغییر وظایف و کارکردهای منصب قدیم واقعه نویسی و جمع شدن پاره ای از وظایف آن در منصب وقایع نگار و داروغه دفترخانه همایونی بود. میرزا محمد صادق در مقام وقایع نگار و داروغه دفترخانه همایونی، تاریخ رسمی دوره فتحعلیشاه را تحت عنوان «تاریخ جهان آرا» به نگارش در آورد و هم عهده دار ماموریت های مهم سیاسی در روابط خارجی ایران با روسیه و عثمانی گردید و هم وظایف دیوانی در دفترخانه همایونی را عهده دار شد. به این ترتیب بخشی از وظایف منصب و نهاد واقعه نویس در دوره قاجار به شکلی دیگر احیا گردید. میرزا فضل الله خاوری شیرازی نیز که «تاریخ ذوالقرنین» را در شرح رویدادهای دوری فتحعلیشاه نوشت «منصب جلیل ملفوفه نگاری حضور اعلی و کتابت اسرار خفیه» (خاوری، ۱۳۸۰: ۵۰۹) را عهده دار بود؛ وظیفه ای که در عهد صفویه احتمالاً بر عهده منصب واقعه نویس بوده است.

میرزا محمد صادق مروزی وقایع نگار تا پایان عمر سمت فوق را حفظ کرد. با مرگ او منصب «وقایع نگاری» و «داروغگی دفترخانه همایون» در خاندان او موروثی گردید. جنبه موروثی یافتن این منصب و شغل تا حدی دلالت بر تنزل این مقام در دوره قاجار دارد. به نوشته احمد اشرف برخی از مشاغل به دلیل پایین بودن درجه و مرتبه اجتماعی آن و نبود داوطلب ذی نفوذ در عهد قاجار جنبه موروثی پیدا می کردند (اشرف، ۱۳۸۶). بعد از مرگ میرزا محمد صادق منصب او به پسرش میرزا محمد جعفر رسید. او در دوره محمد شاه و در دوره ناصری تا سال ۱۲۷۰ ق. این سمت را عهده دار بود (هدایت، همان: ۸۱۰۵). بعد از مرگ میرزا محمد جعفر نیز، منصب وقایع نگاری و داروغگی (محصل مالیاتی) دفترخانه به پسر او میرزا محمد حسین رسید (بامداد، ۱۳۷۱: ۲۳۹). در دوره قاجار کسانی نیز با عنوان وقایع نگار شناخته شده اند؛ از جمله میرزا احمد وقایع نگار شیرازی که مصلحت گذار ایرانی در عثمانی بوده و ظاهراً کتابی نیز در تاریخ قاجاریه تالیف کرده است که به صورت نسخه خطی باقی مانده است (آدمیت، ۱۳۷۸: ۷۵۶).

به نظر می رسد بعد از مرگ میرزا محمد صادق مروزی با وجود افراد شناخته شده ای

که عهده دار این منصب بودند این منصب حالت تشریفاتی داشته و وظایف و کارکردهای

سابق آن به سایر نهادها و مناصب اداری و دیوانی محول شده است. از سوی دیگر ظاهراً میرزا محمد حسین وقایع نگار آخرین فردی است که این منصب برای او ثبت شده است. بعد از او و در واقع از اواخر عهد ناصری این منصب به کلی منسوخ شد و از بین رفت. میرزا محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب «المائر و الآثار» که فهرست مناصب و مشاغل و رجال دولتی را آورده است نامی از منصب وقایع نگار یا واقعه نویسی نمی برد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳) و این نشان می دهد که با وجود افرادی به این عنوان، این منصب صرفاً جنبه تشریفاتی داشته و منصب و شغلی تحت این عنوان در دستگاه اداری و دیوانی دوره ناصری وجود نداشته است.

مناصب و نهادهای اجتماعی و سیاسی به ضرورت زمان ایجاد می شوند؛ رشد می کنند و باز بنا به ضرورت زمان در وظایف و کارکردهای آنها دگرگونی رخ می دهد و در زمانی نیز دچار زوال و نابودی می شوند. نهاد و منصب واقعه نویسی یا مجلس نویس در دوره صفویان در عهد شاه عباس اول بنا به دستور و تشخیص او و با اهداف و انگیزه های خاصی ایجاد گردید. وظایف و کارکردهای آن به دلیل فقدان چنین منصبی در پیشینه تشکیلات و سازمان های اداری و دیوانی ایران، آمیزه ای بود از وظایف صدر اعظم و منشی الممالک و مستوفی الممالک. همین مسئله سبب تداخل وظایف آن با وظایف سایر مناصب و مشاغل طراز اول دستگاه دیوانی صفویان می شد و هم نوعی ابهام و پیچیدگی در شناخت دقیق وظایف آن ایجاد می کرد. واقعه نویسی بر بنیاد نوشته های سیاحان خارجی و نوشته های مربوط به سازمان اداری و حکومتی صفویان از موقعیت و جایگاه برجسته ای در دستگاه اداری صفویه برخوردار بود. اختیار تام و ویژه ای برای او در امور لشکری، اداری و مالی و روابط خارجی و امور داخلی دربار در نظر گرفته شده بود. وظایف و کارکرد و قدرت گسترده این منصب به ویژه در عهد شاه عباس اول و دوم و شاه سلیمان قدرت و وظیفه منشی الممالک و مستوفی الممالک و حتی وزیر را تحت الشعاع خود قرار می داد. به تدریج برخی وظایف و کارکردهای این منصب دگرگون شد و برخی از واقعه نویسان به تاریخ نویسی روی آوردند. همین مسئله موجب می شد تا تاریخ نویسی رسمی و مصطلح نیز جزو وظایف این نهاد قلمداد گردد. در صورتی که در وظایف

و کارکردهای نخستین این منصب دولتی چنین وظیفه ای برای آن ثبت نشده است. از سوی دیگر واقعه نویسی به دلیل اطلاع از اسرار حکومتی و اشراف بر مسائل ریز و درشت سیاسی و اجتماعی کشور و دسترسی به دفاتر و اسناد و مدارک دولتی و روابط با سفرای خارجی که جزو وظایف او به شمار می رفت، شایسته ترین فرد برای تاریخ نویسی محسوب می شد. شاید همین مسئله باعث گردید تا برخی از صاحب منصبان واقعه نویسی مانند میرزا محمد طاهر وحید و میرزا ابراهیم نصیری به تاریخ نویسی حرفه ای نیز روی بیاورند. با سقوط صفویان و از بین رفتن بسیاری از نهادها و مناصب تشکیلات و سازمان های اداری و دیوانی صفویه، منصب واقعه نویسی و مجلس نویسی به مفهومی که در تشکیلات عصر صفوی بود از بین رفت و پاره ای از وظایف و کارکردهای آن در مناصب و مشاغل دیگر از جمله منصب وقایع نگاری وارد گردید. در دوره قاجار منصب وقایع نگاری در آغاز تاسیس گردید اما به تدریج بسیاری از نهادها و مناصب و تشکیلات دیوانی سنتی با استقرار نهادها و تشکیلات جدید اداری از بین رفت و وظایف و کارکردهای آن به شکل دیگر در سازمان های جدید کشوری و لشکری نمود یافت.

نکته پایانی این که مورخین فراوانی در دوره صفویه، افسشاریه، زندیه و قاجاریه از جمله: اسکندر بیگ منشی، حسن روملو، میرزا صادق نامی، میرزا محمد کاظم وزیر مرو، عبدالرزاق بیگ دنبلی و... بدون این که منصبی در پیوند با واقعه نویسی و حتی وقایع نگاری به مفهومی که گفته شد داشته باشند به دستور و خواست حکومت و پادشاه وقت رویدادهای زمان را به نگارش در آوردند. پاره ای از آنان در مقدمه اثر خود از عنوان وقایع نگار برای خود سود جسته اند. بدیهی است که با وجود اطلاق عنوان وقایع نگار برای این قبیل نویسندگان، آنان سمت رسمی «واقعه نویس» یا «وقایع نگار» به عنوان منصب و شغل دیوانی به مفهومی که گفته شد، نداشتند. تردیدی نیست که برخی از آنان در زمره رجال دولتی و درباری بوده و با استفاده از دفاتر و اسناد و مدارک دولتی اثر تاریخی خلق نمودند.

## نتیجه

نهاد دیوانی «واقعه نویس» به عنوان یک نهاد نوپا در عهد صفویه و در دوره شاه عباس اول به دستور او شکل گرفت. وظایف و کارکردهای این نهاد منصب که به سرعت به یکی از نهادهای قدرتمند و طراز اول و دارای تشکیلات وسیع تبدیل شد آمیزه ای از وظایف صدراعظم، مستوفی الممالک و منشی الممالک بود. ثبت و ضبط وقایع، نگارش مکاتبات مهم دولتی، شرکت در جریان روابط ایران با دول خارجی و حضور در جلسات مهم دربار، بخشی از وظایف این منصب در دوران پیدایش آن به شمار می رفت. گاهی وظایف آن با وظایف منشی الممالک و صدراعظم نیز تداخل می کرد و همین مسئله وظایف و کارکردهای آن را با پیچیدگی روبه رو می ساخت. به نظر می رسد بعد از مرگ شاه عباس اول در وظایف نهاد «واقعه نویس» دگرگونی تدریجی ایجاد گردید و تا حدی از موقع و جایگاه ممتاز پیشین خود فاصله گرفت. برخی از صاحبان این منصب در دوره شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین، ضمن وظایف دیوانی دیگر به تاریخ نویسی نیز گراییدند. همین مسئله سبب شد تا برخی گزارشگران خارجی یکی از وظایف این نهاد را تاریخ نویسی رسمی قلمداد کنند. در صورتی که در شرح وظایف این نهاد تاریخ نویسی به مفهوم مصطلح آن به چشم نمی خورد.

بعد از سقوط صفویان به موازات فروپاشی دستگاه عریض دیوانی و اداری صفویه، منصب «واقعه نویس» به شکلی که در دوره صفویان وجود داشت از بین رفت. پاره ای از وظایف واقعه نویس در نهادها و مناصب دیگر نمود پیدا کرد و منصب وقایع نگاری که در دوره نادر و دوره آغاز قاجار تاسیس گردید، بخشی از وظایف واقعه نویس را بر عهده گرفت، اما منصب واقعه نویس عصر صفوی هیچگاه احیا نشد. منصب وقایع نگاری نیز به تدریج در دوره قاجار نیز با استقرار نهادها و تشکیلات جدید اداری به شکل تشریفاتی درآمد و در پایان ناصری به کلی منسوخ گردید.

## منابع

- ۱- آدمیت ، فریدون (۱۳۷۸) ، امیرکبیر و ایران ، تهران: خوارزمی
- ۲- آذر بیگدلی ، لطفعلی خان (۱۳۴۰) ، آتشکده آذر ، بخش سوم ، به کوشش حسن سادات ناصری ، تهران : امیرکبیر
- ۳- استرابادی ، میرزا مهدی خان (۱۳۷۷) ، تاریخ جهانگشای نادری ، تصحیح عبدالله انوار ، تهران : انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- ۴- اشرف ، احمد (۱۳۶۸) ، «لقب و عنوان» در : در زمینه ایران شناسی به کوشش چنگیز پهلوان ، تهران: ناشر مولف
- ۵- اعتماد السلطنه ، محمد حسن خان (۱۳۶۳) ، المآثر و الآثار ، به کوشش ایرج افشار ، ج اول ، تهران: اساطیر
- ۶- بامداد ، مهدی ، (۱۳۷۱) ، تاریخ رجال ایران ، ج ۵ ، تهران : زوار
- ۷- تکمیل همایون ، ناصر (۱۳۷۱) ، «وقایع نگاری» در : یکی قطره باران ، جشن نامه دکتر زریاب خویی ، به اهتمام احمد تفضلی ، تهران : قطره
- ۸- خاوری شیرازی ، میرزا فضل الله (۱۳۸۰) ، تاریخ ذوالقرنین ، تصحیح ناصر افشار فر ، ج اول ، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه ، موزه و مرکز اسناد مجلس.
- ۹- رُهربرن ، (۲۵۳۷) ، نظام ایالات در دوره صفویه ، برگردان کیکاوس جهاننداری ، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۱۰- زرین کوب ، عبدالحسین (۱۳۷۱) ، تاریخ ایران بعد از اسلام ، تهران : امیرکبیر
- ۱۱- سانسون (۱۳۵۴) ، سفرنامه ( وضع کشور ایران در زمان شاه سلیمان صفوی) ، برگردان تقی تفضلی ، تهران : ابن سینا
- ۱۲- شاردن ، ژان (۱۳۷۴) ، سفرنامه ، برگردان اقبال یغمایی ، ج ۳ ، تهران: توس
- ۱۳- شاملو ، ولی قلی خان (۱۳۷۹) ، قصص الخاقانی ، تصحیح دکتر حسن سادات ناصری ، ج اول ، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۱۴- فلسفی ، نصرالله (۱۳۴۷) ، زندگانی شاه عباس اول ، ج ۲ ، تهران: دانشگاه تهران



- ۱۵- کیمفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، سفرنامه، برگردان کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی
- ۱۶- منزوی، احمد (۱۳۷۵)، فهرست واره کتاب های فارسی، ج دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- ۱۷- میرزا رفیعا (۱۳۸۰)، دستور الملوک، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، بازخوانی ایرج افشار: دفتر تاریخ، جلد اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار
- ۱۸- میرزا سمیعا (۱۳۷۸)، تذکره الملوک، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر
- ۱۹- نصیری اردوبادی، میرزا علی نقی (۱۳۷۱)، القاب و مواحب دوره سلاطین صفویه به تصحیح دکتر یوسف رحیم لو، مشهد: دانشگاه فردوسی
- ۲۰- مینوروسکی (۱۳۷۸)، سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینوروسکی بر تذکره الملوک، برگردان مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر
- ۲۱- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۷۹)، روضه الصفای ناصری، ج ۱۴، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر
- ۲۲- storey, Persian literature, II, London, ۱۹۳۶, p.۳۱۹



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی